

سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سهامی عام در بازار اوراق بهادار ایران و انگلستان

* مرضیه خلیلی

** محمدرضا پاسبان

*** محمود باقری

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2026.2075881.2336>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵]

چکیده

امروزه سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های سهامی عام، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم پاسخ‌گو نمودن مدیران و حفظ حقوق سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بازار اوراق بهادار ایران، مفهوم سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سهامی عام، برای اولین بار در قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ مطرح گردید. لذا تبیین رژیم حقوقی حاکم بر سلب صلاحیت مدیران که نهادی نوپا در حقوق ایران است ضرورت دارد و برای نخستین بار، در این مقاله، ضمن تحلیل و تطبیق با حقوق انگلستان صورت گرفته است. ماحصل پژوهش حاضر، بر صلاحیت سلبی سازمان بورس و اوراق بهادار در موضوع صلاحیت حرفه‌ای مدیران، از رهگذار رسیدگی‌های تخلفاتی تأکید دارد و رفع برخی ایرادات و خلأهای قانونی لازم را برای اثربخشی این ابزار کارآمد بایسته می‌داند.

واژگان کلیدی: بازار اوراق بهادار؛ سلب صلاحیت مدیران؛ شرکت‌های سهامی عام؛ ناشر.

* دانشجوی دکتری حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: marziekhalili@gmail.com

** استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: mpasban@atu.ac.ir

*** دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: mahbagheri@ut.ac.ir



۱. مقدمه

شرکت‌های سهامی عام در ایران، از اقسام شرکت‌های سرمایه هستند که مسئولیت صاحبان سهام در آن‌ها محدود به مبلغ اسمی است. در حقوق سایر کشورها از جمله انگلستان،^۱ آمریکا و آلمان نیز با عبارات کم‌وبیش مشابهی، از محدودیت مسئولیت^۲ در شرکت‌های سهامی عام^۳ سخن به میان آمده است. یکی از ویژگی‌های اساسی شرکت‌های سهامی عام، پیش‌بینی مسئولیت محدود برای سهام‌داران تا میزان سرمایه آن‌ها ذکر شده است.^۴

اعطای مسئولیت محدود به سهام‌داران، منجر به رشد و شکوفایی شرکت‌ها و بالطبع اقتصادها شد. لیکن، پس از اعطای حمایت قابل‌توجه محدودیت مسئولیت به سهام‌داران شرکت‌های سهامی عام، موضوع نحوه اداره سهام‌داران از موضوعات بحث‌برانگیز و چالشی در کشورهای مختلف بوده است. این چالش‌ها تاکنون مرتفع نشده‌اند و به همین دلیل است که همچنان «حاکمیت شرکتی»، در سطح جهان، مسئله‌ای حائز اهمیت است. بسیاری از کشورهای دنیا راهبردهای مشابهی را در راستای مدیریت ریسک‌های مرتبط با شرکت سهامی که در آن مسئولیت سهام‌داران محدود به سهام آن‌هاست، پیش‌بینی کرده‌اند.^۵ یکی از این استراتژی‌ها استفاده از ابزار سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های سهامی است. به عبارت دیگر، سلب صلاحیت مدیران شرکت‌ها موضوعی جهانی است و به منزله ابزاری برای حقوق شرکت‌ها و اصول حاکمیت شرکتی است تا به وسیله آن، اشخاصی را که ریسک‌های خاصی را متوجه جامعه کسب‌وکار، سهام‌داران و طلبکاران شرکت می‌کنند، از تصدی به مدیریت شرکت باز دارد.

با وجود این، درخصوص این ابزار با اهمیت، در کشور ما تاکنون تحقیق و بررسی خاصی صورت نگرفته است. لذا در این مقاله، چهارچوب حقوقی حاکم بر سلب صلاحیت مدیران

۱. در قانون شرکت‌های انگلستان، مصوب ۲۰۰۶، از عبارت "limited company" استفاده شده است: Companies Act 2006, s 3.

2. Limited Liability.

۳. در آمریکا، از شرکت‌های سهامی عام با عبارت Public Corporation و در آلمان، با عبارت Aktiengesellschaft (AG) یاد می‌شود.

4. Andreas Cahn and David C. Donald, *Comparative Company Law, text and cases on the Law Governing Corporations in Germany, The U.K and The U.S.A* (New York: Cambridge University Press, 2010), 9.

5. John Gooley et al., *Corporations and Associations Law: Principles and Issues*, 5th edition (Butterworths: LexisNexis, 2011), 309.

شرکت‌های سهامی عام در بازار اوراق بهادار ایران مورد تدقیق قرار می‌گیرد که شامل مبانی قانونی سلب صلاحیت، رویکرد به صلاحیت مدیران، سازوکار (جهات) سلب صلاحیت مدیران، مدت زمان و آثار سلب صلاحیت می‌شود. در این خلال، به‌منظور تقویت مباحث و تطبیق با الگوهای حقوق خارجی، حقوق کشور انگلستان نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. مبانی قانونی سلب صلاحیت مدیران

لزوم برخورداری مدیران شرکت‌های سهامی عام از صلاحیت حرفه‌ای در بازار اوراق بهادار، برای اولین بار در ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۰، مورد توجه قرار گرفت^۶ و تعیین شرایط و معیارهای صلاحیت حرفه‌ای مدیران و نحوه سلب صلاحیت آن‌ها، توسط سازمان بورس و اوراق بهادار^۷ به آیین‌نامه^۸ مربوط واگذار گردید. در ماده ۱ آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۲۰ هیئت وزیران، «صلاحیت حرفه‌ای»، دارا بودن سوابق علمی، تحصیلی و تجربی مرتبط با مدیریت و حسن سابقه فعالیت مرتبط با مدیریت تعریف گردید.

مطابق آیین‌نامه مذکور، اعضای هیئت‌مدیره می‌بایست دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی مرتبط با موضوع فعالیت ناشر و پنج سال سابقه کار مفید و مرتبط با موضوع فعالیت ناشر باشند. البته مدارک تحصیلی پایین‌تر، با تجربه کاری بیشتر و تجربه کاری کمتر، با مدرک تحصیلی بالاتر قابل جبران است.^۹ در اساسنامه نمونه شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان به استثنای نهادهای مالی و پولی، مصوب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، قید دیگری درج شده با این عبارات که «حداقل یکی از اعضای هیئت‌مدیره یا نماینده وی باید غیرموظف و دارای تحصیلات مالی، حسابداری، اقتصاد، مدیریت مالی و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی و تجربه مرتبط باشند»^۹

همچنین مدیرعامل شرکت سهامی عام باید دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی

۶. در این قانون، به‌جای عبارت «شرکت سهامی عام»، از عبارت «ناشر» استفاده شده که اعم از شرکت سهامی عام است.

۷. من‌بعد برای رعایت اختصار از «سازمان بورس و اوراق بهادار» به «سازمان» یا «سازمان بورس» تعبیر می‌شود.

۸. آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۹۱، ماده ۲.

۹. اساسنامه نمونه شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار به استثنای نهادهای مالی و پولی، ماده ۲۷ تبصره ۲.

مرتبط با موضوع فعالیت ناشر و مدارک قابل قبول دال بر آشنایی با مبانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و قوانین و مقررات مرتبط و حداقل پنج سال سابقه کار مفید و مرتبط با موضوع فعالیت ناشر باشد و برخلاف هیئت مدیره، امکان جبران فقدان سابقه تحصیلی با تجربه کاری مرتبط وجود ندارد.^{۱۰}

وفق ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها، در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبرندگان، مرجع انتخاب کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یاد شده خودداری نموده و یا مدیران انتخاب شده را از آن سمت برکنار نماید. با وجود این، در همان ماده، این اختیار نیز به سازمان داده شده تا مطابق آیین نامه همان ماده، در مواردی بتواند نسبت به سلب صلاحیت از مدیران اقدام کند. بنابراین هر دوی مرجع انتخاب کننده و سازمان بورس، دارای صلاحیت نسبت به برکناری مدیر هستند. موارد صلاحیت سازمان، مطابق آیین نامه، عبارتند از مواقعی که سازمان تشخیص دهد مدیری از ابتدا فاقد شرایط حرفه‌ای بوده؛ یا بعداً فاقد شرایط لازم شده؛ «محکومیت قطعی کیفری مؤثر»^{۱۱} مدیر اعم از آنکه مدیری از ابتدا دارای این محکومیت بوده یا این محکومیت بعداً حادث شده باشد؛ ارتکاب برخی تخلفات منجر به صدور جرمه نقدی.^{۱۲}

برخلاف ایران که فاقد مقررۀ قانونی عامی ناظر بر سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های سهامی است، در انگلستان، سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های سهامی به موجب قانون خاص «سلب صلاحیت مدیران مصوب ۱۹۸۶»،^{۱۳} مقررات گذاری شده است. تا پیش از تصویب قانون مذکور هم سلب صلاحیت مدیران، طبق قانون شرکت‌های ۱۹۲۸ انگلستان انجام می‌گرفت.^{۱۴} مبنای قانونی دیگر در انگلستان، قانون خدمات و بازارهای مالی مصوب ۲۰۰۰^{۱۵} است که در ماده ۵۶، اختیارات وسیعی را به نهاد ناظر بازار اعطا کرده تا

۱۰. آیین نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، ماده ۲.

۱۱. محکومیت کیفری مؤثر محکومیتی است که مجرم را به تبع اجرای حکم، از حقوق اجتماعی که همه افراد یک جامعه دارند محروم می‌سازد و بر همین اساس، مجرم پس از محکومیت به صورت قطعی، علاوه بر مجازات جرم اصلی، از حقوق اجتماعی که همه افراد جامعه دارند نیز محروم می‌شود. مطابق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند.

۱۲. آیین نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، ماده ۳ و ۴.

13. Company Directors Disqualification Act, 1986. (CDDA 1986).

14. L. S. Sealy, *Company Law and Commercial Reality* (London, Sweet & Maxwell, 1984), 11.

15. Financial Service and Market Act, 2000. (FSMA).

مدیران اشخاص تحت نظارت که آن‌ها را نامناسب و نالایق^{۱۶} می‌داند، از تصدی به مدیریت شرکت بازدارد. در این قانون، از عبارت «دستور منع»^{۱۷} استفاده شده و نه «سلب صلاحیت»^{۱۸}. باوجوداین، آثار دستور منع با سلب صلاحیت یکی است که همانا بازداشتن مدیر از تصدی به سمت مدیریت می‌باشد. اشخاص تحت نظارت طیف وسیعی از اشخاص را در بر می‌گیرد و شامل هر شخصی است که مجوز انجام یک یا چند فعالیت تحت نظارت به وی داده شده است.^{۱۹} فعالیت‌های تحت نظارت از جمله شامل بانکداری، مدیریت سرمایه‌گذاری، فعالیت در حوزه قراردادهای وام‌های رهنی و برنامه‌های خرید مسکن، بیمه‌های عمومی، اعتباربخشی به مشتریان، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سپرده‌پذیر و مشاوره سرمایه‌گذاری می‌شود.^{۲۰} بنابراین، سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های سهامی عام در انگلستان، بدو تابع قانون سلب صلاحیت مدیران ۱۹۸۶ است و اگر شرکت سهامی عامی از اشخاص تحت نظارت بازار اوراق بهادار انگلستان باشد، مشمول نظارت‌های نهاد ناظر بر این بازار نیز قرار می‌گیرد. همچنین در ماده (۱) ۵۹ تصریح شده که اشخاصی که در شرکت‌های تحت نظارت دارای کارکردهای کنترلی هستند، قبل از شروع به فعالیت، باید تأییدیه نهاد ناظر بازار را دریافت کنند. منظور از کارکردهای کنترلی ایفای نقش‌هایی است که تأثیر عمده بر امور شرکت دارند، مانند مدیران، مدیران عامل (اجرایی) و مأمور تطبیق.^{۲۱} نهاد ناظر بازار مالی بسته به نوع فعالیت تحت نظارت، می‌تواند اف.سی.ای^{۲۲} یا پی.آر.ای^{۲۳} باشد.^{۲۴}

برخلاف مقررات ایرانی که مدارک تحصیلی و تجربه مرتبط را که فاکتورهایی شکلی هستند، مبنای بررسی صلاحیت قرار داده است، در بازار اوراق بهادار انگلستان، معیارهای مناسب و لایق بودن را که بر نتایج اقدامات و تصمیمات مدیر تمرکز دارند، ملاک عمل قرار داده‌اند.

16. Not Fit and Proper.

17. Prohibition Order.

18. Disqualification.

19. FSMA, 2000, s 31.

۲۰. میثم حامدی و محمدجواد فرهانیان، *تنظیم و نظارت در بازارهای مالی*، چاپ اول (تهران: انتشارات نوای مدرسه با همکاری بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۴)، ۱۳۷.

21. E. Ferran, *Principles of Corporate Finance Law*, 2nd edition (Oxford: Oxford University Press, 2011), 289.

22. Financial Conduct Authority (FCA).

23. Prudential Regulation Authority (PRA).

۲۴. حامدی و فرهانیان، *تنظیم و نظارت در بازارهای مالی*، ۱۳۷.

۳. رویکرد به صلاحیت مدیران

درخصوص نحوه اعمال نظارت نهاد ناظر بازار اوراق بهادار در تأیید صلاحیت مدیران شرکت سهامی، تاکنون دو رویکرد مطرح شده است: رویکرد اول مبتنی بر اختیارات سلبی سازمان در موضوع صلاحیت حرفه‌ای مدیران است، با این تعبیر که سازمان ابتدایه‌ساکن، تکلیف و اختیار لازم برای بررسی صلاحیت حرفه‌ای ناشران و تأیید صلاحیت حرفه‌ای آن‌ها را ندارد، بلکه شرایط لازم برای مدیران به‌موجب آیین‌نامه ماده ۱۳ تعیین شده و مرجع انتخاب‌کننده مکلف به بررسی آن‌هاست و در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نام‌برندگان، مرجع انتخاب‌کننده موظف است از انتخاب آنان به سمت‌های یادشده خودداری نموده و یا حسب مورد، مدیران انتخاب‌شده را از آن سمت برکنار نماید. اگر وی به این تکلیف خود عمل ننماید، سازمان می‌تواند نسبت به این امر اقدام نماید. رویکرد دوم مبتنی بر اختیارات ایجابی سازمان در موضوع تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران است،^{۲۵} بدین معنا که صلاحیت حرفه‌ای مدیران باید قبل از انتخاب، به تأیید سازمان برسد.

از صراحت ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در مقام بیان لزوم برخورداری مدیران ناشران از صلاحیت‌های حرفه‌ای بوده است، لیکن سخنی از صلاحیت سازمان در تأیید صلاحیت پیشینی ناشران به عمل نیامده است. بنابراین نمی‌توان قائل به صلاحیت ایجابی سازمان در موضوع تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران گردید. در ماده یادشده، علاوه بر موضوع صلاحیت حرفه‌ای مدیران ناشران، از صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی نیز سخن به میان آمده است. درمورد نهادهای مالی، برخلاف ناشران، رویه و رویکرد سازمان منطبق با رویکرد ایجابی است. باوجوداین، دلیل اتخاذ این

۲۵. اخیراً و هم‌زمان با نگارش نوشتار حاضر، مدیریت امور حقوقی و انتظامی سازمان بورس و اوراق بهادار، در اظهارنظری، بر لزوم تأیید صلاحیت ابتدایی مدیران ناشران تأکید و بیان نموده: «اساساً فرایند نظارتی سازمان چند مرحله کلیدی دارد. در مرحله نخست که واجد جنبه‌های پیشگیرانه است، ابتدا صلاحیت مدیران پیش از انتصاب بررسی می‌شود و سوابق کیفری، تخلفات قبلی و همچنین صلاحیت تجربی و حرفه‌ای ارزیابی می‌شود و ازاین‌رو، به گزارش‌های دوره‌ای واصله که ازسوی مراجع ذیصلاح ارائه می‌شود، توجه خواهد شد. در مرحله دیگر، با پایش مستمر اقدامات و معاملات از طریق سامانه‌ها و نیز ملاحظه گزارش‌های واحدهای نظارتی یا شکایت سرمایه‌گذاران، چنانچه تخلفی مشاهده شود، براساس دستورالعمل‌های مصوب، به موضوع رسیدگی می‌شود و با بررسی مدارک و دفاعیات اشخاص، هیئت‌ها و کمیته‌های پیش‌بینی‌شده، درخصوص تخلفات مدیران رأی مقتضی را صادر می‌کنند. این آرا به مخاطب آن ابلاغ می‌شود و در مرحله اجرایی، چنانچه محکومیت به سلب صلاحیت منجر شده باشد، در سامانه‌های نظارتی پیش‌بینی‌شده برای این امر، درج و به اطلاع مخاطبان بازار سرمایه می‌رسد.» محمد جوانمردی، «سلب صلاحیت مدیران متخلف: تضمینی بر سلامت بازار سرمایه»، پایگاه خبری بازار سرمایه، آخرین دسترسی در ۶ خرداد ۱۴۰۴.

رویکرد درمورد مدیران نهادهای مالی را نباید مبتنی بر ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها دانست، چه آنکه تأیید صلاحیت مدیران نهادهای مالی، پیش از این، به موجب ماده ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ که تصریح می‌دارد «صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیئت‌مدیره و مدیران... نهادهای مالی موضوع این قانون، باید به تأیید سازمان برسد»، بر عهده سازمان قرار داده شده بود و متعاقباً لزوم تأیید صلاحیت حرفه‌ای اعضای حقیقی هیئت‌مدیره، اعم از اصلی و علی‌البدل و نمایندگان اشخاص حقوقی عضو هیئت‌مدیره توسط سازمان، در اساسنامه نهادهای مالی گنجانده شده است.^{۲۶} لیکن چنین تصریحی درمورد لزوم تأیید صلاحیت مدیران ناشران دیده نمی‌شود. مضافاً، به لحاظ عملی نیز به نظر می‌رسد امکان تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط سازمان وجود نداشته باشد، زیرا نهادهای مالی به امر واسطه‌گری مالی بین دارندگان منابع مالی و اشخاصی که درصدد تأمین منابع مالی هستند می‌پردازند^{۲۷} که به واسطه فعالیت در بازارهای مالی، تخصص کافی برای بررسی موضوعات مرتبط با آن در بدنه سازمان وجود دارد. اما شرکت‌های سهامی عام، به لحاظ موضوع فعالیت خود محدود نیستند و شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی از جمله معدنی، شیمیایی، صنعتی، مالی، خدماتی، غذایی و... می‌شوند. تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران این طیف گسترده از صنایع مستلزم برخورداری سازمان بورس و اوراق بهادار از نیروهای متخصص و کارشناس در همه این حوزه‌ها است که نه امکان‌پذیر است و نه لازم. لذا به لحاظ عملی نیز تجویز صلاحیت ایجابی برای سازمان به صواب نیست. به نظر می‌رسد آنچه باعث طرف‌داری صلاحیت ایجابی سازمان بورس و اوراق بهادار در تأیید صلاحیت مدیران شده است، فقدان ضمانت اجرای کافی برای سلب صلاحیت از مدیران باشد. چه بسا در مواردی، علی‌رغم صدور رأی به سلب صلاحیت مدیران متخلف که اکثریت مجمع عمومی را در اختیار داشته‌اند، مانع انتخاب مدیران جدید شده‌اند. با وجود این، راه حل این مسئله را نباید در ایجاد صلاحیت ایجابی برای سازمان جست که هم فاقد مبنای قانونی است، هم به لحاظ عملی امکان‌پذیر نیست، بلکه مشابه حقوق انگلستان که تصدی به مدیریت بعد از سلب صلاحیت را جرم‌انگاری کرده، باید در پی پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر برای نقض سلب صلاحیت‌های صادره بود.

۲۶. ازجمله: اساسنامه نمونه شرکت کارگزاری، ماده ۳۵؛ اساسنامه نمونه شرکت سبدگردان، ماده ۳۵؛ اساسنامه نمونه شرکت تأمین سرمایه (سهامی عام)، ماده ۳۳. در اساسنامه نمونه شرکت تأمین سرمایه، تبصره ۱ ماده ۳۳ تصریح شده که اشخاص حقیقی در صورتی می‌توانند در مجمع برای عضویت در هیئت‌مدیره داوطلب شوند که صلاحیت حرفه‌ای آن‌ها به تأیید سازمان رسیده باشد.

27. "Financial Institutions, FCTMIS," accessed October 5, 2025, https://fctemis.org/notes/5524_Lesson%20Note%20FINANCIAL%20INSTITUTIONS.pdf

در انگلستان، ماده ۱۶۱ قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶، یک فرض قانونی را در باب صلاحیت اعضای هیئت‌مدیره وضع کرده است که مطابق آن، تصمیمات مدیران معتبر است، مگر آنکه مشخص شود اشتباهی در انتصاب وی صورت گرفته، یا از اداره شرکت سلب صلاحیت شده است، یا خود شخص از ادامه فعالیت امتناع کرده باشد و یا در موضوع، تصمیم اهلیت و صلاحیت تصمیم‌گیری نداشته است.^{۲۸} در قانون خدمات و بازارهای مالی، اولاً نهاد ناظر می‌تواند در مورد مدیری که نامناسب بودن وی محرز شده است، «دستور منع» صادر نماید. ثانیاً اشخاصی که در شرکت‌های تحت‌نظارت دارای سمت‌های کنترلی هستند از جمله مدیران، می‌بایست قبل از شروع فعالیت، تأییدیه نهاد ناظر را اخذ کرده باشند.^{۲۹} بنابراین، کلی، در مورد مدیران شرکت سهامی، مطابق قانون سلب صلاحیت مدیران، باید قائل به رویکرد سلبی شد. اما اگر شرکت هم‌زمان از اشخاص تحت‌نظارت نیز باشد که به حوزه فعالیت نهادهای مالی در ایران مشابهِت دارد،^{۳۰} نظارت نهاد ناظر در باب صلاحیت مدیر، هم قبل از شروع وی به فعالیت (ایجابی) و هم رد صلاحیت وی بعد از شروع فعالیت و احراز نامناسب بودن وی متبلور می‌شود.

۴. سازوکار (جهات) سلب صلاحیت مدیران

با توجه به تفاوت قابل‌توجه چهارچوب ایرانی با همتای انگلیسی آن، مطالب این بخش را در دو قسمت جداگانه سازوکار ایرانی و انگلیسی سلب صلاحیت مدیران در پی خواهیم گرفت و مدت سلب صلاحیت را در هر دو نظام بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. سازوکار ایرانی سلب صلاحیت مدیران

در سال‌های اخیر، رویه سازمان بورس و اوراق بهادار بر این بوده که عدم رعایت مقررات آیین‌نامه ماده ۱۳ و از دست دادن شرایط لازم برای تصدی سمت مدیریت، فی‌نفسه نقض مقررات بازار سرمایه بوده و سازمان می‌تواند به تخلف مدیر رسیدگی نماید. ازسوی دیگر، شرط

۲۸. میثم دعائی و سید محمدجواد فرهانیان، بررسی شرایط صلاحیت حرفه‌ای هیئت‌مدیره، شرکت‌های مادر هلدینگ (تهران: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، بهمن ۱۳۹۱)، ۳.

29. FSMA, s 63A.

۳۰. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴، ماده ۱ بند ۲۱، نهادهای مالی عبارت‌اند از «نهادهای مالی فعال در بازار اوراق بهادار که از آن جمله می‌توان به کارگزاران، کارگزاران / معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، مؤسسات رتبه‌بندی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های بازنشتگی اشاره کرد.» پیش از این گفته شد که مطابق قانون بازار، مدیران نهادهای مالی پیش از تصدی می‌بایست توسط سازمان تأیید صلاحیت شده باشند.

لازم برای اعمال نظارت سازمان درخصوص تخلفات مرتبط با صلاحیت مدیران، تکلیف اولیه مدیران به ارائه مدارک و مستندات به سازمان می‌باشد که در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مورد توجه قرار گرفته است. مدیران مکلف‌اند مدارک هویت و کلیه اسناد و مدارک مربوط به سوابق شغلی و تحصیلی خود را جهت ثبت در پایگاه اطلاعاتی مدیران مربوطه، به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه کنند. سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است مشخصات و سوابق تحصیلی و تجربی مدیران یادشده را در پایگاه اطلاعاتی مذکور ثبت کند.^{۳۱} براین اساس، چنانچه مدیران مدارک مرتبط با سوابق تجربی و تحصیلی خود را در سامانه بارگذاری نکنند، این امر نیز تخلف از مقررات بازار سرمایه محسوب می‌شود و قابل رسیدگی در مرجع رسیدگی به تخلفات است.

پیش از این، در تبصره ماده ۳ آیین‌نامه ماده ۱۳ مصوب هیئت وزیران، تصریح شده بود که سلب صلاحیت براساس مقررات رسیدگی به تخلفات در سازمان اعمال می‌شود. مع‌الوصف، در آخرین اصلاحات آیین‌نامه پیش‌گفته که طی تصویب‌نامه شماره ۳۱۰۰۱/ت/۶۴۱۶۳ ه مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۴ هیئت وزیران صورت گرفته، تبصره ماده ۳ با این عبارات جایگزین شده «سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران اشخاص تحت نظارت از بعد صلاحیت حرفه‌ای، توسط سازمان صورت می‌گیرد.» تغییر مذکور سازوکار سلب صلاحیت را که رسیدگی به تخلفات بوده حذف کرده است. لیکن از آنجاکه در ماده ۶ آیین‌نامه مذکور، حق اعتراض به سلب صلاحیت نزد هیئت‌مدیره سازمان پیش‌بینی شده، و به جهت هماهنگی با مصادیق ذکرشده در ماده ۴ همان آیین‌نامه که سلب صلاحیت در نتیجه ارتکاب تخلفات است، بهتر است عبارت «(سازمان)» در تبصره، تفسیر به مرجع رسیدگی به تخلفات در سازمان شود.

گاه سلب صلاحیت از مدیران به واسطه ارتکاب برخی تخلفات بااهمیت صورت می‌گیرد. ناشران از اشخاص تحت نظارت هستند و یکی از لوازم نظارت، امکان رسیدگی به تخلفات اشخاص تحت نظارت و تعیین ضمانت اجرای انضباطی برای تکالیف ایشان است.^{۳۲} از این منظر، سلب صلاحیت به عنوان ضمانت اجرای ارتکاب تخلف و در نتیجه آن است و نه به منزله عدم احراز صلاحیت‌های عمومی و اختصاصی مدیر یا از دست دادن شرایط لازم برای تصدی به سمت مدیریت. چنانچه مدیری مرتکب تخلفی شود که مستوجب محکومیت قطعی به جریمه نقدی بیش از نصف حداکثر جریمه نقدی تعیینی برای آن تخلف (برای شخص وی یا

۳۱. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵، ماده ۳۶ بند ج.

۳۲. محمد سلطانی، حقوق بازار سرمایه، چاپ دوم (تهران: سمت، ۱۳۹۶)، ۳۵۳.

شرکت تحت مدیریت وی) باشد، حکم به سلب صلاحیت مدیر صادر می‌شود.^{۳۳} تعیین ضابطه عددی جریمه نقدی اختصاص به ایران دارد و چنین معیاری در حقوق انگلستان دیده نمی‌شود. در عوض، بر معیارهای ماهوی مانند نامناسب بودن مدیر یا سوءرفتار وی تأکید شده است.

۲-۴. سازوکار انگلیسی سلب صلاحیت مدیران

در انگلستان، سلب صلاحیت به‌طور کلی، به سه شکل اتفاق می‌افتد: سلب صلاحیت خودکار،^{۳۴} سلب صلاحیت با حکم دادگاه^{۳۵} و سلب صلاحیت تعهدی.^{۳۶}

۱-۲-۴. سلب صلاحیت خودکار

در این‌گونه موارد، با تحقق شرایط مقرر در قانون و بدون مراجعه به دادگاه، شخص به‌صورت خودکار از مدیریت شرکت منعزل می‌شود:

- صدور حکم ورشکستگی مدیر^{۳۷} که منجر به سلب صلاحیت وی از ۲ تا ۱۵ سال می‌شود.^{۳۸} در ایران، اگرچه شخصی که حکم ورشکستگی‌اش صادر شده نباید به مدیریت شرکت انتخاب شود، اما منعزل شدن خودبه‌خودی پیش‌بینی نشده و در صورت نقض این ممنوعیت، تقاضای صدور حکم از دادگاه پیش‌بینی شده است.^{۳۹} همچنین در مقررات ایرانی، بازه زمانی برای این ممنوعیت تعیین نشده است که مورد تعرض حقوق‌دانان قرار گرفته است.^{۴۰}

- وقتی مدیر به‌موجب حکم دادگاه محکوم به پرداخت شده است، اما محکوم‌به را پرداخت نکرده باشد.^{۴۱} به‌موجب قانون دادگاه‌های بخش مصوب ۱۳۸۴^{۴۲} (مواد ۱۱۲-۱۱۷)، دادگاه‌ها می‌توانند در صورتی که شخصی ناتوان از پرداخت بدهی‌های خود شود و دارایی کمی

۳۳. آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، ماده ۴.

34. Automatic Disqualification.

35. Disqualification by Courts.

36. Disqualification Undertakings.

37. CDDA, 1986, s11.

38. Insolvency Act, 1986, s 281A sch 4A.

۳۹. لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، ماده ۱۱۱ و تبصره آن.

۴۰. محمدرضا پاسبان، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ چهارم (تهران: سمت، پاییز ۱۳۸۹)، ۱۹۲.

41. CDDA, s 12.

42. County Courts Act, 1984 (CCA84).

برای بازپرداخت بخشی از بدهی‌های خود دارد، با درخواست بدهکار، ضمن صدور دستور اداری، مواعیدی را برای پرداخت بدهی تعیین کنند.^{۴۳} حداکثر مدتی که شخص به‌موجب این بند، به‌صورت خودکار از مدیریت شرکت عزل می‌شود، یک سال است.^{۴۴} در ایران، تنها محکومیت قطعی مؤثر کیفری به‌عنوان موارد سلب صلاحیت در نظر گرفته شده و محکومیت‌های مالی ایفان‌شده که می‌توانند اماره عدم توانایی مدیر در مدیریت امور مالی خود و بالطبع اداره امور سایرین تلقی شوند، مغفول مانده است.

- به این موارد، باید سلب صلاحیت مدیر شخص تحت نظارت مطابق قانون بازارها و خدمات مالی مصوب ۲۰۰۰ را نیز افزود. اعم از آنکه شخص از ابتدا تأییدی نهاد ناظر برای تصدی سمت را دریافت نکند، یا بعدها نهاد ناظر وی را واجد شرط شایستگی (لیاقت) و مناسب بودن نداند و اقدام به صدور «دستور منع» نماید. قانون سلب صلاحیت مدیران واجد قاعده‌ای است^{۴۵} که حقوق‌دانان از آن برداشت کرده‌اند اگر شخصی به‌موجب قوانین دیگر، مشمول ممنوعیت‌های تصدی شده باشد، به‌طور خودکار سلب صلاحیت می‌شود. این سازوکار دولایه‌ای تضمین‌کننده آن است که اشخاصی که تمامیت بازار مالی را در معرض خطر قرار داده‌اند، نمی‌توانند مجدداً از کانال شرکت دیگری وارد بازار شوند.^{۴۶} این دیدگاه اگر درمورد سلب صلاحیت‌های بازار سرمایه ایران نیز لحاظ شود، مسئله جدی عدم وجود ضمانت اجرا برای آرای سلب صلاحیت سازمان خودبه‌خود مرتفع می‌شود.

۴-۲-۲. سلب صلاحیت به‌موجب حکم دادگاه

برخلاف ایران که به‌طور کلی، امکان سلب صلاحیت از مدیران توسط دادگاه وجود ندارد، در انگلستان، صدور حکم سلب صلاحیت دادگاه‌ها گاه راساً توسط دادگاه صورت می‌گیرد؛^{۴۷} گاه متعاقب انجام تحقیق و بازرسی از شرکت به درخواست وزیر در راستای حفظ منافع عمومی؛^{۴۸} گاه به‌موجب درخواست اشخاص ذی‌نفع به‌واسطه نامناسب بودن مدیر.^{۴۹}

۴۳. این روش از دادخواست ورشکستگی کم‌هزینه‌تر است و محدودیت‌های ورشکستگی را برای شخص بدهکار ندارد و در پرونده‌های با ارزش پایین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

44. Insolvency Act, s 429.

45. CDDA, s 11A (1).

46. Brenda Hannigan, *Company Law*, 3rd edition (Oxford: Oxford University Press, 2012), 343-345; R. Goode, *Principles of Corporate Insolvency Law*, 5th edition (London: Sweet & Maxwell, 2019), 212-213.

47. CDDA, s 2.

48. CDDA, s 8.

49. CDDA, s 6.

معیارهایی که دادگاه‌ها در تشخیص نامناسب بودن مدیر مدنظر قرار می‌دهند عبارت‌اند از ارتکاب هرگونه اشتباه یا نقض وظیفه امانت‌داری یا نقض هریک از وظایف مدیران در قبال شرکت، سوءاستفاده از وجوه یا دارایی‌های شرکت، انجام معاملاتی به‌منظور جلوگیری از ورشکستگی مانند انجام معامله زیر قیمت واقعی. ملاک تأثیرگذار دیگر، میزان انطباق مدیران با قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ است، ازجمله رعایت تکالیفی مانند نگهداری حساب‌ها و نحوه ثبت هزینه‌ها.^{۵۰} دادگاه‌ها در پرونده‌های ورشکستگی، میزان اثرگذاری مدیران در اسباب ورشکستگی شرکت و عدم توفیق وی در تأمین کالاها یا خدماتی که بابتش پول دریافت شده را مورد بررسی قرار می‌دهند،^{۵۱} امری که در حقوق ایران مسبوق به سابقه نیست و تنها به ورشکستگی شخص مدیر به‌عنوان موانع تصدی سمت وی توجه شده است، نه ورشکستگی شرکت تحت مدیریت وی.

در ایران، سلب صلاحیت از رهگذار رسیدگی تخلفاتی و متعاقب اعلام تخلف توسط نهاد ناظر است و امکان درخواست سلب صلاحیت توسط اشخاص دیگر لحاظ نشده، ولیکن در انگلستان، اشخاص مختلفی مطابق مقررات، مجاز به ارائه درخواست سلب صلاحیت به دادگاه هستند:

۱. در صورت نقض مقررات مربوط به رقابت، مجوز ارائه درخواست سلب صلاحیت به «مرجع رقابت و بازارها»^{۵۲} و یا «تنظیم‌گران خاص» شامل اداره ارتباطات، مقام ناظر بازارهای گاز و الکتریسیته، مقام ناظر مقررات خدمات آب، مقام ناظر حوزه راه‌آهن، مقام ناظر حوزه هوانوردی شهری داده شده است.^{۵۳}
۲. در صورت انجام معاملات کلاهبردانه یا معاملات غیرقانونی توسط مدیران، قانون‌گذار به‌طور موسع، ارائه درخواست سلب صلاحیت برای هر شخصی را پیش‌بینی کرده است. خود دادگاه هم می‌تواند بدون نیاز به ارائه درخواست، اقدام به صدور حکم سلب صلاحیت نماید.^{۵۴}
۳. درخواست سلب صلاحیت به‌واسطه سوءرفتار کلی مدیر که توسط وزیر، مدیر تصفیه و طلبکاران شرکت که سوءرفتار ادعایی نسبت به آن‌ها ارتکاب یافته است، قابل طرح است.^{۵۵}

50. CDDA, s 3.

51. CDDA, s 6 1(A).

52. Competition and Markets Authority (CMA).

53. CDDA, s 9E.

54. CDDA, s 10(1).

55. CDDA, s 2 To 5.

این موارد عبارت‌اند از:

- محکومیت به یکی از جرائم قابل تعقیب مرتبط با تأسیس، شکل‌گیری، مدیریت شرکت یا امور مربوط به تصفیه.^{۵۶}
 - نقض مستمر مقررات مربوط به حقوق شرکت‌ها، شامل قانون شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۶ و قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۸۶، مانند عدم ارسال و تکمیل مدارک لازم به مرجع ثبت شرکت‌ها.^{۵۷}
 - حداقل سه بار محکومیت به عدم رعایت مقررات مربوط به شرکت‌ها درخصوص امور مرتبط با محاسبه سود و حساب‌های شرکت و ارسال مدارک و مستندات لازم به مرجع ثبت شرکت‌ها طی پنج ساله گذشته.^{۵۸} حداکثر مدت سلب صلاحیت به‌موجب این بند و بندهای بالا، پنج سال است.^{۵۹}
 - تشخیص مجرم بودن شخص به‌واسطه معاملات کلاهبردانه یا تقلب در جریان تصفیه شرکت^{۶۰} که دادگاه اختیار سلب صلاحیت از مدیر تا ۱۵ سال را دارد.^{۶۱}
- در ایران، به‌غیراز محکومیت قطعی مؤثر کیفری مدیر که با انجام معاملات کلاهبردانه و غیرقانونی در انگلستان مشابیهت دارد، سایر موجبات سلب صلاحیت مدیر محدود به عدم برخورداری از مدارک تحصیلی و سوابق تجربی و ارتکاب تخلفات بااهمیت شده است و فاقد تنوع نظام حقوقی انگلستان است که مواردی مانند نقض مقررات رقابت، و سوءرفتار مدیر را در بر می‌گیرد.

۳-۲-۴. سلب صلاحیت تعهدی

وقتی است که وزیر یا مرجع ذی‌صلاح این امر^{۶۲} سلب صلاحیت مدیر به‌واسطه نامناسب بودن وی را در جهت حفظ منافع عمومی، طی یک اقدام اداری و بدون حکم دادگاه لازم بداند.^{۶۳} مرجع ذی‌صلاح که در جریان بررسی‌های خود متوجه سوءرفتار مدیر می‌شود، مراتب را به مدیر اعلام می‌کند و وی را برای متعهد شدن به عدم تصدی سمت در شرکت دعوت می‌کند.

56. CDDA, s 2(3).

57. CDDA, s 3(1).

58. CDDA, s 5.

59. CDDA, s 2(3), s 3(5), s 5.

60. CDDA, s 4(1).

61. CDDA, s 4(3).

۶۲. غیر از شخص وزیر در قانون سلب صلاحیت مدیران، شخص Officer of Revenue and Custom که مقام جمع‌کننده مالیات در انگلستان است، برای این امر ذی‌صلاح است.

63. CDDA, s 7(2A), s 8(2A) and s 1(A).

اگر مدیر این امر را بپذیرد و متعهد به عدم تصدی شود، این اقدام اثری مشابه حکم دادگاه دارد و حداقل مدت سلب صلاحیت به موجب این دلیل دو سال و حداکثر آن ۱۵ سال است. مدیر می تواند تقاضای کاهش مدت سلب صلاحیت یا توقف اجرای آن را از دادگاه به عمل بیاورد.^{۶۴} هدف از این اقدام تسریع در فرایند و کاهش هزینه های رسیدگی در پرونده هایی است که وضعیت روشنی دارند.^{۶۵} آمارهای خدمات ورشکستگی حاکی از آن است که در انگلستان، بالغ بر ۸۰ درصد سلب صلاحیت ها از طریق اقدامات اداری وزیر و بدون مراجعه به دادگاه ها صورت گرفته است و ۲۰ درصد باقی مانده از طریق صدور احکام دادگاه ها به عمل آمده است.^{۶۶} در کشور ما، چنین ظرفیتی که مدیری بدون نیاز به رسیدگی به درخواست یک مقام دولتی، ملتزم به عدم تصدی سمت نزد دادگاه شود، وجود ندارد.

۳-۴. مدت زمان سلب صلاحیت

پیش از این، در مقررات ایرانی، برای سلب صلاحیت مدیران، بازه زمانی سه ماهه و دائم در نظر گرفته شده بود.^{۶۷} با این حال، مطابق آخرین اصلاحاتی که در آیین نامه مربوط صورت گرفت، حداقل و حداکثر زمان سلب صلاحیت مدیران حذف شده و به صورت مطلق، اختیار سلب صلاحیت مدیران به سازمان اعطا شده است.^{۶۸} این رویه قابل انتقاد است، چه آنکه حکم به سلب از ضمانت اجراهای محدودکننده آزادی است و مقید نکردن آن منجر به تضییع حقوق اشخاص از یک سو و اعمال سلیقه در صدور احکامی با طول مدت سلب صلاحیت هایی متفاوت از سوی دیگر می شود. در انگلستان، مدت زمان سلب صلاحیت به موجب قانون سلب صلاحیت مدیران محدود و حداکثر زمان سلب صلاحیت ۱۵ سال است. این مدت زمان بسته به جهت سلب صلاحیت متفاوت است. به عنوان مثال، در صورت صدور حکم ورشکستگی مدیر، دو تا ۱۵ سال، عدم توان پرداخت محکومیت مالی مدیر یک سال، ارتکاب جرایم

64. CDDA, s 8A.

65. Hannigan, Company Law, 25-26.

66. D. French, S. Mayson and C. French, Mayson, French & Ryanon Company Law, 30th edition (Oxford: Oxford University Press, 2013-2014), 6 [20.13.1.1].

۶۷. آیین نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، تبصره ماده ۳.

۶۸. مطابق تبصره ماده ۳ آیین نامه سابق مقرر شده بود «سلب صلاحیت مدیران اشخاص تحت نظارت حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا سلب صلاحیت به صورت دائم خواهد بود که براساس مقررات مربوط رسیدگی به تخلفات در سازمان اعمال می گردد.» مطابق تصویب نامه شماره ۳۱۰۰۱/ت/۶۴۱۶۳ ه مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۴ هیئت وزیران، این تبصره حذف و با تبصره ای بدین شرح جایگزین شده است: «سلب صلاحیت مدیران اشخاص تحت نظارت از بعد صلاحیت حرفه ای، توسط سازمان صورت می گیرد.»

سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سهامی عام... / خلیلی، پاسبان و باقری ۸۹

مربوط به تشکیل شرکت و نقض مقررات حقوق شرکت‌ها پنج سال، تقلب و انجام امور کلاهبردانه توسط مدیر تا ۱۵ سال و در موارد سلب صلاحیت توسط شخص وزیر دو تا ۱۵ سال می‌باشد. در مواردی که شرکت از اشخاص تحت نظارت در بازارهای مالی باشد، نهادهای ناظر محدودیتی از جهت مدت ندارند و به‌طور معمول، «دستور منع» صادره تا رفع شدن موجبات سلب ادامه پیدا می‌کند.^{۶۹} بدین منظور، نهادهای ناظر به‌صورت مستمر وضعیت مدیران را پایش می‌کنند^{۷۰} و درعین حال، خود مدیر نیز می‌تواند با ارائه مدارک و مستندات، خواهان توقف «دستور منع» صادره بشود؛^{۷۱} ظرفیت‌های مفیدی که مقررات ایرانی فاقد آن است.

۵. آثار صدور حکم سلب صلاحیت مدیر

صدور رأی سلب صلاحیت مدیر از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است: نخست آنکه با صدور رأی، حق تجدیدنظرخواهی از رأی اصداری برای شخص محکوم به وجود می‌آید. ثانیاً، در مدت قیدشده در رأی سلب صلاحیت، شخص از تصدی به سمت هیئت‌مدیره باز داشته می‌شود.

۵-۱. اعتراض به رأی سلب صلاحیت

گفته شد که سلب صلاحیت مدیران در بازار اوراق بهادار از رهگذار رسیدگی‌های تخلفاتی و صدور رأی انضباطی صورت می‌گیرد. مطابق دستورالعمل رسیدگی به تخلفات در بازار سرمایه، رأی سلب صلاحیت یک ماه پس از صدور، قابل تجدیدنظرخواهی در هیئت‌مدیره سازمان است و رأی هیئت‌مدیره سازمان قطعی است.^{۷۲} ایراد بزرگ این رویه آن است که رسیدگی‌های انضباطی در سازمان، در ساحت هیئت رسیدگی به تخلفات، متشکل از مدیر پیگیری تخلفات سازمان و دو خبره به تأیید هیئت‌مدیره سازمان و هیئت‌مدیره سازمان صورت می‌گیرد که در ساختار سازمان بورس و اوراق بهادار تعریف می‌شوند، درحالی‌که تعیین مرجع بی‌طرف بیرونی در رسیدگی به اعتراض از رأی اصداری، حقوق محکومین رأی سلب صلاحیت را به‌نحو مناسب‌تری تضمین می‌نماید.

69. FSMA, s.56 (6).

70. Financial Conduct Authority Handbook, Enforcement Guide (EG), 2024, 9.5.3, 124.

71. FCA Handbook, EG, 2024, 9.5.8, 127.

۷۲. دستورالعمل رسیدگی به تخلفات در بازار سرمایه، مصوب ۱۳۹۸، ماده ۳۳.

برای رفع این ایراد نظراتی ابراز شده، من جمله آنکه با استفاده از ظرفیت بند ۷ ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار، آرای سازمان قابل شکایت در شورای عالی بورس و اوراق بهادار تلقی شود. در پاسخ به این نظر گفته شده که با توجه به صراحت «قطعی و لازم‌الاجرا بودن» در ماده ۳۵ قانون بازار، نمی‌توان کلمه «رسیدگی به شکایت» را حمل بر نوعی رسیدگی فوق‌العاده دانست و حق نقض آرای انضباطی را برای شورای عالی بورس متصور بود.^{۷۳}

مع‌الوصف، ماده ۳۵ در مقام بیان نحوه اعتراض به آرای انضباطی سازمان بورس و اوراق بهادار نبوده و با توجه به عدم اطلاق آرای انضباطی بورس به آرای انضباطی صادره سازمان، نباید قائل به قطعیت این دست آرای انضباطی شد. اما در صورتی که این آرا را قابل اعتراض بدانیم، باید مرجع تجدیدنظرخواهی نیز تعیین شود. شورای عالی بورس و اوراق بهادار سیاست‌گذار کلان بازار سرمایه است و شکایت از تصمیمات سازمان نزد وی، از جهت اعمال نظارت وی بر سازمان بورس و اوراق بهادار و اتخاذ تدابیر لازم توسط شورا در سیاست‌گذاری‌های کلان وی باشد. شورا به واسطه ترکیب و تعداد اعضای خود،^{۷۴} نمی‌تواند به‌عنوان مرجع رسیدگی به شکایات از آرای انضباطی سازمان تلقی شود، زیرا اعضای آن در حوزه‌های مرتبط، مکلف به ایفای وظایف متنوع و متعدد قابل توجهی هستند و نمی‌توانند به‌عنوان مرجع رسیدگی به طیف وسیعی از پرونده‌های تخلفاتی مدیران بازار سرمایه ایفای نقش کنند، خصوصاً آنکه شورای عالی بورس فاقد پرسنل مستقل و سازوکارهای رسیدگی است. این رویه با توجه به صراحت قانون بازار نیز قابل دفاع به نظر می‌رسد، چراکه عبارت «رسیدگی به شکایات از سازمان» شامل رسیدگی به شکایات از آرای انضباطی صادره از سازمان نمی‌شود.

آیا دیوان عدالت اداری می‌تواند مرجع اعتراض به آرای سلب صلاحیت صادره سازمان تلقی شود؟ مطابق جزء الف بند دو ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات و تظلمات از مؤسسات عمومی غیردولتی، در شایستگی دیوان عدالت اداری لحاظ نشده و فقط رسیدگی به شکایات و تظلمات از شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان دو مصداق از مؤسسات عمومی غیردولتی لحاظ شده است. بنابراین امکان طرح دعوا از اقدامات سازمان نزد دیوان وجود ندارد و رویه

۷۳. فرهاد پیری، حقوق بورس و اوراق بهادار، چاپ اول (تهران: جنگل، ۱۴۰۰)، ۱۲۴.

۷۴. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳. شورای عالی بورس از ۱۲ عضو شامل وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت معدن تجارت، رئیس کل بانک مرکزی، دادستان کل کشور، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون و خبره‌های منتخب تشکیل شده است.

دیوان نیز متمایل به صدور قرار رد شکایت و نه رد صلاحیت است.^{۷۵} با توجه به عدم امکان شکایت از آرای سلب صلاحیت در شورا یا دیوان عدالت اداری، براساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی که مرجع رسمی تظلمات و شکایات را دادگستری می‌داند، مدیر سلب صلاحیت شده باید بتواند از رأی اصداری نزد دادگاه‌های عمومی شکایت نماید، خصوصاً آنکه تعیین مرجع بی‌طرف و مستقل در رسیدگی به اعتراض از آرای اصداری، حقوق محکومین آرای سلب صلاحیت را به‌نحو مناسب‌تری تضمین می‌نماید. در عمل، ممکن است دیدگاه دادگاه عمومی نیز مبتنی بر لزوم طرح شکایت نزد شورا وفق بند ۷ ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار، پیش از طرح نزد دادگاه باشد چنانچه در برخی آرای دادگاه‌ها نیز این دیدگاه منعکس شده است که قابل انتقاد به نظر می‌رسد.^{۷۶}

در حقوق انگلستان، برای بررسی قابلیت اعتراض به آرای سلب صلاحیت باید قائل به تفکیک شد. درمورد سلب صلاحیت خودکار، قابلیت اعتراض مصداق ندارد، مگر آنکه موجبات سلب صلاحیت رفع شود. به‌طور مثال، اگر در احکام ورشکستگی، مدتی برای ممنوعیت از تصدی ذکر شده، این مدت منقضی شود یا اگر شرکت از اشخاص تحت نظارت باشد، اسباب عدم مناسب بودن مدیر به تشخیص نهاد ناظر رفع شده باشد. همچنین درمورد سلب صلاحیت که از طریق وزیر انجام می‌شود، دادگاه به تقاضای مدیر، می‌تواند حکم به کاهش مدت سلب داده یا اجرای آن را متوقف سازد.^{۷۷} درمورد آرای اصداری توسط دادگاه‌ها نیز مانند سایر آراء، رأی در دادگاه عالی‌تر قابل تجدیدنظر می‌باشد.^{۷۸} درمورد «دستور منع» صادره توسط نهاد ناظر بازار مالی، اولاً هر شخص مشمول دستور می‌تواند با استناد به آنکه موجبات صدور دستور رفع شده، به مقام ناظر درخواست لغو یا تغییر در مفاد دستور را بدهد و مقام ناظر مکلف به بررسی و رسیدگی به درخواست است.^{۷۹} اگر مدیری نسبت به دستور

۷۵. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، رأی شماره ۱۳۴۶ مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۵.

۷۶. به‌عنوان مثال، شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۰۲۹ مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۷، بیان داشته: «دربارۀ دادخواست آقای ... به طرفیت سازمان بورس و اوراق بهادار، به خواسته ابطال رأی انضباطی شماره ۳۱۲۵ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۷ صادرشده از هیئت‌مدیره سازمان بورس، با امعان‌نظر در محتوای پرونده، نظر به اینکه برابر بند هفت ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار، نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایات از سازمان بورس از وظایف شورای عالی بورس می‌باشد، باین‌وصف، دادگاه صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارد. بنابراین دادگاه به اعتبار صلاحیت شورای عالی بورس و به استناد ماده مرقوم‌به، قرار عدم صلاحیت خویش را به شایستگی و صلاحیت شورای مذکور صادر و اعلام می‌دارد.» پیری، حقوق بورس و اوراق بهادار، ۱۲۴ و ۱۲۵.

77. CDDA, s 8A.

78. Civil Procedure Rules, 1998, Part 52.

79. FCA Handbook, EG, 2024.

صادره معترض باشد، امکان اعتراض به آن در دیوان برتر،^{۸۰} مطابق قانون خدمات و بازارهای مالی^{۸۱} وجود دارد. این دیوان مستقل از مقام ناظر بازار و دارای اعضای است که از طرف کمیسیون انتصابات قضایی انتخاب می‌شوند. تصمیمات این دیوان قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر هستند. رئیس دیوان از قضات عالی انتخاب می‌شود.^{۸۲} پر واضح است که تجدیدنظرخواهی از تصمیمات سلب صلاحیت در انگلستان، نسبت به همتای ایرانی‌اش که هیئت‌مدیره سازمان را مرجع اعتراض به تصمیمات سلب صلاحیت سازمان معرفی نموده! به نحو مناسب‌تری حقوق مدیران را تضمین می‌نماید. از سوی دیگر، در ایران امکان بازنگری در تصمیمات مقام ناظر بازار، توسط وی یا مدیران ذی‌نفع نیز وجود ندارد.

۲-۵. ممنوعیت مدیر از دخالت در اداره شرکت

اثر صدور رأی قطعی سلب صلاحیت، ممنوعیت مدیر یا مدیران از دخالت در امور شرکت است. با این وصف، وضعیت اقدامات و تصمیمات مدیران سلب صلاحیت شده به لحاظ حقوقی نیز روشن نیست. آیا باید قائل به عدم اعتبار آن‌ها گردید یا تصمیمات و اقدامات مدیران را به واسطه حفظ حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، دارای اعتبار تلقی کرد؟ فقدان رویه قضایی نیز پاسخ‌گویی به این پرسش را دشوارتر کرده است. در حکم شماره ۱۴۴ مورخ ۱۳۷۸/۲/۴ شعبه ۱۳۰۶ دادگاه عمومی تهران در مورد درخواست ابطال صورت‌جلسات شرکت به علت کارمند دولت بودن عضو هیئت‌مدیره و عدم رعایت اصل ۱۴۱ قانون اساسی، چنین اظهار نظر کرد که تصدی فردی در بیش از دو شغل، از موجبات ابطال تصمیمات مجامع عمومی نیست. شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر، در دادنامه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۲ رأی مزبور را نقض کرد: «... با توجه به اینکه مطابق یک اصل کلی، در مسائل حقوقی نهی موجب فساد است، به عبارت دیگر، اعمالی که نهی شده اگر تحقق یابند، باطل هستند و بر عمل باطل اثری مترتب نیست و شخصی که به موجب اصل ۱۴۱ قانون اساسی متصدی عضو هیئت‌مدیره شرکت گردیده، چگونه می‌تواند در مجمع عمومی شرکت نموده، تصمیماتی اتخاذ نماید...»

شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور نیز در دادنامه ۱۷/۵۰۵ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰، ضمن ایراد بر نحوه استدلال رأی شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رأی آن دادگاه را با این استدلال

80. Upper Tribunal.

81. FSMA, s133.

82. Tribunals, Courts and Enforcement Act (TCEA), 2007, Schedule 1, Part 2, paragraph 3.

تأیید کرده است که ممنوعیت مقرر در اصل ۱۴۱ قانون اساسی و تبصره چهارم ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، تصدی کارکنان دولت را نیز باید به سایر افراد ممنوع از انتخاب هیئت‌مدیره در مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ اضافه و تحت عنوان سایر افرادی که از انتخاب سمت فوق ممنوع هستند، در حقوق تجارت باید از آنها نام برد و لذا به دلیل عدم رعایت مقررات قانون تجارت، باید بر عدم اعتبار تصمیم مجمع ناظر بر انتخاب وی و متعاقباً تصمیمات وی در هیئت‌مدیره شرکت قائل شد.^{۸۳} اگرچه آرای قضایی مورد اشاره، به طور مستقیم، مرتبط با سلب صلاحیت از مدیران شرکت سهامی عام در بازار سرمایه ایران نیست، می‌توان از ملاک آن بهره جست و قائل به این نظر شد که در مواردی که شخصی از تصدی به سمت مدیریت در شرکت سهامی عام منع شده است، نمی‌توان قائل به اعتبار تصمیمات و اقدامات اتخاذی وی گردید. این نظر با توجه به نقش کلیدی مدیران در اداره شرکت‌های سهامی عام و تأثیر اقدامات و تصمیمات آنها بر حقوق سهام‌داران و طلبکاران شرکت توجیه‌پذیرتر است. لیکن از آنجاکه عدم اعتبار تصمیمات ممکن است منجر به ورود لطمه به حقوق اشخاص ثالث شود، لازم است نسبت به احکام سلب صلاحیت اطلاع‌رسانی مقتضی به عموم به عمل آید. شایان ذکر است به تازگی سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام به انتشار برخی آرای انضباطی مدیران در سایت رسمی خود نموده است.

در انگلستان، مدیر سلب صلاحیت شده دیگر نمی‌تواند به عنوان مدیر شرکت اقدام نماید و این ممنوعیت شامل مواردی هم می‌شود که مدیر به صورت غیرمستقیم، تلاش برای کنترل کردن یا اعمال مدیریت در امور شرکت داشته باشد، مانند آنچه در پرونده Secretary of State v. Green [2010] EWHC 1928 مورد حکم دادگاه قرار گرفت.^{۸۴} همچنین امکان انتخاب شدن به عنوان مدیر تصفیه را ندارند^{۸۵} و نمی‌توانند در شکل‌گیری، تأسیس یا مدیریت شرکت دخالت داشته باشند که شامل ارائه مشاوره و دستورالعمل به مدیران شرکتی که از نظر آنها متابعت کنند، هم می‌شود. اگر مدیری برخلاف سلب صلاحیت صورت گرفته، به عنوان مدیر شرکت فعالیت نماید یا در تأسیس و اداره شرکت دخیل باشد، مرتکب جرم کیفری شده و به حبس تا دو سال یا جریمه نقدی یا هر دو مورد محکوم خواهد شد.^{۸۶}

۸۳. محمد دمرچلی، علی حاتمی، و محسن قرائی، *قانون تجارت در نظم کنونی*، چاپ نوزدهم (تهران: نشر دادستان، ۱۳۹۲)، ۱۷۱-۱۷۳.

84. Brenda Hannigan, *Company Law*, 6th edition (Oxford: Oxford University Press, 2021), 456.

85. French, Mayson and French, *Mayson, French & Ryanon Company Law*, 6.

86. CDDA, s 13.

مسئولیت در ارتکاب این جرم از نوع «مسئولیت محض»^{۸۷} بوده و نیازی به وجود قصد نیست. همین‌که شخص سلب صلاحیت را نقض نماید، جرم ارتکاب یافته است.^{۸۸} اگر سلب صلاحیت مدیر مشمول قانون سلب صلاحیت مدیران نبوده باشد و به واسطه نقض «دستور منع» نهاد ناظر بازار مالی توسط مدیر شرکت سهامی عام تحت نظارت صورت گرفته باشد نیز مدیر ناقض دستور مرتکب جرم شده و به جریمه نقدی محکوم می‌شود.^{۸۹} در این کشور، امور مرتبط با ثبت اطلاعات شرکت‌های با مسئولیت محدود شامل شرکت‌های سهامی، از طریق «خانه شرکت‌ها»^{۹۰} صورت می‌گیرد که موظف به ارتقای شفافیت و رشد اقتصادی در انگلستان بوده و زیرمجموعه وزارت تجارت و کسب‌وکار است.^{۹۱} درمورد شرکت‌های تحت نظارت نهاد ناظر بازارهای مالی نیز اطلاع‌رسانی به صورت به‌روز، از طریق سایت رسمی نهادهای ناظر صورت می‌پذیرد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در ایران، اختیار سلب صلاحیت از مدیران شرکت‌های سهامی عام ثبت‌شده (ناشران)، به سازمان بورس و اوراق بهادار داده شده است که از رهگذار رسیدگی‌های تخلفاتی صورت می‌گیرد. در انگلستان، سلب صلاحیت گاهی به صورت خودکار و در نتیجه صدور حکم ورشکستگی یا محکومیت مالی مدیر یا دستور مقام ناظر نهاد مالی (اگر شرکت از اشخاصی باشد که مجوز از نهاد ناظر بازار مالی اخذ کرده باشد) انجام می‌شود و گاه در نتیجه رسیدگی دادگاه و گاه در نتیجه تعهد مدیر. بنابراین، در نظام حقوقی انگلستان برخلاف ایران، سلب صلاحیت مدیران بیشتر موضوعی شرکی است تا مرتبط با بازار مالی.

سازمان تاکنون درخصوص صلاحیت مدیران، به صورت سلبی عمل کرده است؛ رویکردی که با نص قانون سازگار است. در حقوق انگلستان نیز فرض بر صلاحیت مدیرانست، مگر خلاف آن اثبات شود. باوجوداین، اگر شرکت سهامی عام از اشخاصی باشد که دارای مجوز از نهاد ناظر بازار مالی انگلستان است، لازم است مدیران قبل از شروع فعالیت، تأیید نهاد ناظر را اخذ کرده باشند. این رویکرد مشابه رویکرد سازمان بورس در تأیید صلاحیت نهادهای مالی

87. Strict liability.

88. Goode, *Principles of Corporate Insolvency Law*, 203.

89. FSMA, s.56 (4).

90. Companies House.

91. "About us, Companies House," Gov. UK, accessed September 11, 2025, <https://www.gov.uk/government/organisations/companies-house>

است و نهاد ناظر ایرانی نباید سعی در تسری این رویکرد به مدیران شرکت‌های سهامی عام به‌طور کلی داشته باشد.

آرای سلب صلاحیت سازمان قابل تجدیدنظرخواهی در هیئت‌مدیره سازمان است؛ رویکردی که به دلیل وحدت مرجع بدوی و تجدیدنظر محل تأمل است. پیشنهاد می‌شود برای تجدیدنظر از آرای سلب صلاحیت مدیران، در ایران مرجع مستقلی از سازمان پیش‌بینی شود. در انگلستان، در سلب صلاحیت‌هایی که به موجب احکام دادگاه صادر شده، آرا مانند سایر آرای مدنی قابل تجدیدنظر در مراجع بالاتر می‌باشند. در مورد سلب صلاحیت تعهدی نیز مدیر امکان اعتراض نزد دادگاه را دارد. در مورد آرای مقام ناظر مالی هم امکان تجدیدنظرخواهی در دیوانی مستقل که اعضای آن منتخب کمیسیون انتصابات قضایی هستند، وجود دارد. این روش به نحو مناسب‌تری حقوق اشخاص را ملحوظ نظر دارد.

محکومیت‌های کیفری مدیران، با تفاوت‌هایی، در هر دو سیستم از موانع تصدی به مدیریت شرکت سهامی بوده است. با وجود این، قانون‌گذار انگلیسی محکومیت مالی مدیر و عدم توانایی وی در پرداخت محکوم‌به را نیز از موارد سلب صلاحیت وی برشمرده است که در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است.

در ایران، در صورت ارتکاب تخلف مستوجب جریمه نقدی تا مبلغ مشخصی، سازمان حکم به سلب صلاحیت مدیر می‌دهد. در حقوق انگلستان، ضابطه مبلغ جریمه وجود ندارد، با این حال، تکرار تخلفات مرتبط با مقررات قانون شرکت‌ها به عنوان مصداق سوءرفتار، از موجبات سلب صلاحیت است.

در هر دو سیستم حقوقی، ورشکستگی مدیر از موانع انتخاب وی به هیئت‌مدیره است، با این تفاوت که در ایران تنها ورشکستگی خود مدیر مورد حکم قرار گرفته است، در حالی که در انگلستان اگر شرکتی که مدیری اداره آن را بر عهده دارد ورشکسته شود، مدیری که ورشکستگی به واسطه نالایقی و نامناسبی وی بوده نیز می‌تواند مورد سلب صلاحیت قرار بگیرد. از سوی دیگر، در مقررات انگلیس، مواردی منجر به سلب صلاحیت از مدیر می‌شوند که در حقوق ایرانی مسبوق به سابقه نیست، مانند نقض مقررات رقابت توسط مدیران، همچنین مواردی که در جریان تحقیق و بررسی از شرکت، نالایق بودن مدیر احراز شود یا مدیر سوءرفتار کلی داشته باشد.

یکی از موارد قابل اصلاح در مقررات فعلی ایران آن است که در این مقررات، درخواست سلب صلاحیت از سوی اشخاص ذی‌نفع پیش‌بینی نشده است، در حالی که در انگلستان این حق برای اشخاص ذی‌نفع و حتی رگولاتورهای خاص مرتبط با حقوق رقابت دیده شده

است.

در مقررات بازار سرمایه ایران، در حال حاضر، حداقل و حداکثر زمانی برای سلب صلاحیت مدیران پیش‌بینی نشده است.^{۹۲} در انگلستان، حداکثر بازه سلب صلاحیت مدیران ۱۵ سال تعیین شده است. تعیین حداکثر مدت محرومیت و این واقعیت که در حقوق انگلستان غالباً سلب صلاحیت مدیر ازسوی دادگاه صورت می‌گیرد و در مواردی که سلب صلاحیت به موجب تصمیم وزیر در راستای حفظ منافع عمومی صورت می‌گیرد، امکان اعتراض به آن در دادگاه وجود دارد، حقوق مدیران را بهتر تأمین می‌کند. در انگلستان، در سلب صلاحیت مدیران شرکت‌های مستلزم اخذ مجوز از نهاد ناظر، گرچه مدت نامحدودی برای سلب صلاحیت در نظر گرفته شده، اما اولاً مدیر در هر زمان با ارائه مدارک و مستندات، بدون طی فرایندهای پیچیده، می‌تواند درخواست تغییر یا اصلاح در رأی را بنماید. ثانیاً مدیر امکان اعتراض به تصمیم اتخاذی در دیوان برتر را که یک مرجع مستقل است دارد.

در ایران، ممکن است مدیر سلب صلاحیت شده، علی‌رغم صدور رأی قطعی، همچنان به مدیریت شرکت اشتغال داشته و با در اختیار داشتن اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در مجمع عمومی، مانع عزل خود و انتخاب مدیر جایگزین شود. راهکار حقوق انگلستان که تصدی به مدیریت را پس از سلب صلاحیت جرم‌انگاری کرده و ازسوی دیگر، اطلاعات مربوط به مدیران سلب صلاحیت شده از طریق خانه شرکت‌ها به صورت به‌روز اطلاع‌رسانی می‌شود، در این راستا مفید فایده به نظر می‌رسد. همچنین وضعیت حقوقی اقدامات و تصمیمات مدیر سلب صلاحیت شده در مقررات ایرانی روشن نیست.

سلب صلاحیت در هر دو سیستم حقوقی، ابزار قدرتمندی برای نظارت و کنترل بر رفتار مدیران در راستای حفظ حقوق سهام‌داران تلقی می‌شود که هدف از آن تضمین جلوگیری از خدمت کردن اشخاص نامناسب در جایگاه راهبری و مدیریت شرکت است.

۹۲. آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۹۱، اصلاحات بعدی ۱۴۰۴، تبصره ماده ۳.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۹۱.
- اساسنامه نمونه شرکت تأمین سرمایه (سهامی عام).
- اساسنامه نمونه شرکت سبدگردان.
- اساسنامه نمونه شرکت کارگزاری.
- اساسنامه نمونه شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار به استثنای نهادهای مالی و پولی.
- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت شرکت‌های تجاری. چاپ هشتم، جلد ۲، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
- پاسبان، محمدرضا. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ چهارم، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- پیری، فرهاد. حقوق بورس و اوراق بهادار. چاپ اول، تهران: جنگل، ۱۴۰۰.
- تصویب‌نامه درخصوص اصلاح ماده ۳ آیین‌نامه ماده ۱۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۸، شماره ۳۱۰۰۱/ت/۶۴۱۶۳ ه مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۴.
- تصویب‌نامه درخصوص تعیین حداقل جرمه نقدی مندرج در ماده (۱۴) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، مصوب ۱۴۰۱.
- جوانمردی، محمد. «سلب صلاحیت مدیران متخلف؛ تضمینی بر سلامت بازار سرمایه»، پایگاه خبری بازار سرمایه، آخرین دسترسی در ۶ خرداد ۱۴۰۴.
- <https://www.sena.ir/news/89872>
- حامدی، میثم، و سید محمدجواد فرهانیان. تنظیم و نظارت در بازارهای مالی. چاپ اول، تهران: انتشارات نوای مدرسه با همکاری بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۴.
- دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مصوب ۱۳۸۷.
- دستورالعمل انضباطی ناشران ثبت‌شده پذیرفته‌نشده، مصوب ۱۳۸۸.
- دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران، مصوب ۱۳۸۶، با آخرین اصلاحات ۱۴۰۲.
- دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، مصوب ۱۴۰۱ با اصلاحات بعدی
- دستورالعمل رسیدگی به تخلفات در بازار سرمایه، مصوب ۱۳۹۸.

دعائی، میثم، و سید محمدجواد فرهانیان. *بررسی شرایط صلاحیت حرفه‌ای هیئت‌مدیره، شرکت‌های مادر هلدینگ*. تهران: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، بهمن ۱۳۹۱.

دمرچیلی، محمد، علی حاتمی، و محسن قرائی. *قانون تجارت در نظم کنونی*. چاپ نوزدهم، تهران: نشر دادستان، ۱۳۹۲.

سلطانی، محمد. *حقوق بازار سرمایه*. چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۹۶.

شعبه ۱۳۰۶ دادگاه عمومی تهران، حکم شماره ۱۴۴ مورخ ۴ اردیبهشت ۱۳۷۸.

شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر، دادنامه شماره ۶۲۴ مورخ ۲۲ شهریور ۱۳۷۸.

شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور، دادنامه ۱۷/۵۰۵ مورخ ۲۰ آذر ۱۳۷۹.

شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۰۲۹ مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۷.

قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۵.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴.

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲.

قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۸.

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، رأی شماره ۱۳۴۶ مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۵.

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=15407441023430183058>

ب- منابع لاتین:

“About us, Companies House.” Gov. UK, Accessed September 11, 2025.

<https://www.gov.uk/government/organisations/companies-house>

Cahn, Andreas, and David C. Donald. *Comparative Company Law, text and cases on the Law Governing Corporations in Germany, The U.K and The U.S.A.* New York: Cambridge University Press, 2010.

Civil Procedure Rules, 1998.

Companies Act, 2006.

Company Directors Disqualification Act, 1986 (CDDA 1986).

County Courts Act, 1984 (CCA84).

سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سهامی عام... / خلیلی، پاسبان و باقری ۹۹

Farrar, John Hynes, Brenda Hannigan, Nigel E. Furey, and Philip Wylie. *Farrar's Company Law*. London: Butterworths, 1988.

Ferran, E. *Principles of Corporate Finance Law*. 2nd edition, Oxford: Oxford University Press, 2011.

Financial Conduct Authority Handbook, Enforcement Guide (EG), 2024.

“Financial Institutions, FCTMIS.” Accessed 5 October, 2025.
https://fctemis.org/notes/5524_Lesson%20Note%20FINANCIAL%20INSTITUTIONS.pdf

Financial Service and Market Act, 2000. (FSMA).

French, D., S. Mayson, and C. French, *Mayson, French & Ryanon Company Law*. 30th edition, Oxford: Oxford University Press, 2013-2014.

Golding, Greg. “Tightening the Screws on Directors: Care, Delegation and Reliance.” *University of New South Wales Law Journal* 35, no. 1 (2012): 266-290.

Goode, R. *Principles of Corporate Insolvency Law*, 5th edition, London: Sweet & Maxwell, 2019.

Gooley, John, David Russell, Matthew Dicker, and Michael Zammit. *Corporations and Associations Law: Principles and Issues*. 5th edition, Butterworths: LexisNexis, 2011.

Hannigan, Brenda, *Company Law*. 3rd edition, Oxford: Oxford University Press, 2012.

Hannigan, Brenda. *Company Law*. 6th edition, Oxford: Oxford University Press, 2021.

Insolvency Act, 1986.

“Insolvency Service disqualified more than 1,000 directors in 2024-25.” Insolvency Service, Gov.Uk, Accessed April 14, 2025.
<https://www.gov.uk/government/news/insolvency-service-disqualified-more-than-1000-directors-in-2024-25#:~:text=Latest%20figures%20from%20the%20Insolvency,published>

Sealy, L. S., *Company Law and Commercial Reality*. London: Sweet & Maxwell, 1984.

Secretary of State v. Green [2010] EWHC 1928.

Tribunals, Courts and Enforcement Act (TCEA), 2007.

Villalta Puig, Gonzalo. “A Two-Edged Sword: Salomon and the Separate Legal Entity Doctrine.” *Murdoch University Electronic Journal of Law* 7, no. 3 (November 2000): 1-8.

Williams, Meyrick. “Directors’ Disqualification.” *International Journal of Disclosure and Governance* 2 (September 2005): 281-304.